

نگاهی واقع‌گرایانه به سند راهبرد امنیت ملی آمریکا

در حسرت اقتدار از دست رفته!

است. سند استراتژی امنیت ملی آمریکا نقش چین و روسیه را در غرب آسیا به نسبت سایر مناطق کم‌رنگ‌تر ترسیم کرده یا حداقل اینکه آنها را رقیب اصلی خود معرفی نکرده است. در مقابل نقش و سیاست منطقه‌ای ایران به‌عنوان کنگری ناهمسو با سیاست‌های آمریکا ترسیم شده است. در این سند به‌صراحت اعلام شده بروز مسأله تروریسم و گروه‌های تروریستی مانند داعش، باعث شده است اسرائیل دیگر به‌عنوان عامل نامی و مشکلات منطقه مطرح نشود. این مسأله می‌تواند اشاره‌ای غیرمستقیم به طراحی پشت پرده آمریکایی-اسرائیلی برای انحراف افکار عمومی از رژیم صهیونیستی باشد. اگر در گذشته آمریکا ۲ ملاحظه «رابطه با اعراب»

در عین اینکه کلیت سند، آمریکا و اولویت‌های آن را مورد توجه و تمرکز قرار داده است، در قسمت سیاست‌های دفاعی و نظامی آمریکا در قبال اروپا به تعهد ایالات متحده به دفاع جمعی منطق با پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) اشاره صریح شده است. در این راستا آمریکا با پیش کشیدن بحث «تهدیدات مشترک»، برنامه‌ریزی برای دفاع مشترک با اروپا را مورد توجه قرار داده است. در حوزه همکاری نظامی و امنیتی با اروپا، توانایی موشکی بالستیک و کروز ایران، به‌عنوان یک تهدید علیه این منطقه عنوان و تلاش شده است استقرار سامانه‌های موشکی آمریکا در اروپای شرقی توجه شود. در کل تمرکز ویژه و استراتژیکی به اروپا در این سند شده است. این تمرکز با توجه به آینده نظام بین‌الملل و اینکه تک‌قطبی باشد یا چندقطبی، توجه‌پذیر است.

اول اینکه در فرض جهانی چندقطبی در آینده، اروپا خود یکی از قطب‌های مؤثر خواهد بود. شراکت راهبردی آمریکا با اروپا در چارچوب سیاست خارجی ائتلاف محور، برای این کشور غیرقابل چشم‌پوشی است.

دوم، اگر آینده نظام بین‌الملل را تک‌قطبی یا محوریت آمریکا فرض کنیم، نقش اروپا به‌عنوان یک متحد راهبردی و تضمین‌کننده استقرار تک‌قطبی برای آمریکا مهم و حیاتی است.

نگاهی که آمریکا در سند استراتژی امنیت ملی به این منطقه دارد، بیشتر سلیبی است تا ايجابية. و عبارت دیگر، به جای تأکید بر مباحثی مانند ایجاد دموکراسی، ملت‌سازی و... بیشتر بر دفع تهدیداتی که متوجه ایالات متحده می‌شود تمرکز شده است. از این جهت رویکرد آمریکا نسبت به غرب آسیا، یک رویکرد تهدیدمحور است. در کنار تهدیدات موجود، آمریکا همکاری اقتصادی و سیاسی با شرکا و متحدان خود را در این منطقه، مورد نظر قرار داده است. در این سند برای تغییر نظام سیاسی کشورهای منطقه- مطابق نظر آمریکا- بحث اصلاحات گامبه‌گام مطرح شده است. درباره شورای همکاری خلیج فارس، بحث یکپارچگی آن مطرح شده است. با توجه به مواضع اخیر قطر به نظر می‌رسد ملاحظه اصلی آمریکا بازیگری قطر در این زمینه باشد که یکپارچگی شورای همکاری خلیج فارس را بر سر سؤال می‌برد. سند استراتژی امنیت ملی آمریکا مانند گذشته اتهام تلاش ایران برای دستیابی به سلاح کشتار جمعی را طرح و محاسبات خود را بر مبنای آن انجام داده است. آمریکا با طرح این موضوع به‌عنوان یک مسأله حل‌نشده نوعی ایران‌هراسی را برای تحقق اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی خود دنبال می‌کند. در سطح منطقه، ایران‌هراسی موجب نزدیکی هرچه بیشتر کشورهای مانند کشورهای حاشیه خلیج فارس به آمریکا می‌شود و در سطح بین‌المللی زمینه‌ایجاد برای فشار بیشتر بر ایران را فراهم می‌کند.

برخلاف رفتار اخیر دولت ترامپ در به رسمیت شناختن قدس اشغالی به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، در سند استراتژی امنیت ملی، طرح صلح جامع بین اسرائیل و فلسطینیان مطرح شده است که نوعی تناقض در عمل و برنامه‌های این کشور محسوب می‌شود. درباره کشورهای منطقه، سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، بحث حمایت از مصر و عربستان برای مدرن‌سازی اقتصادی‌شان را مطرح کرده است. عربستان انجام این کار را آغاز کرده است ولی درباره مصر این مسأله نمود بیرونی ندارد. به‌صورت کلی نگاهی که در سند استراتژی امنیت ملی آمریکا به اقتصاد شده است، نگاه ابزاری است تا وابستگی هرچه بیشتر کشورهای منطقه (و دیگر کشورها) را فراهم کند. در بعد سیاسی نیز با توسل به ایران‌هراسی، آمریکا تلاش می‌کند کشورهای منطقه را از ایران دور و به خود نزدیک کند. هرچند بحث تجهیز تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس به سیستم دفاع موشکی مطرح‌شده است اما تاکنون تحقق نیافته

برابر جهان بسته و استبدادی می‌داند، شبیه همان نقشی که در سال‌های دوران جنگ سرد برای خود قائل بود. همچنین از منظر سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، امکان ندارد غلبه خود به خودی جهان آزاد بر جهان استبدادی انجام شود، لذا لازم است این کشور برای غلبه الگوی خود در جهان، برنامه‌ریزی و اقدام کند. در جهت سیاست افزایش نفوذ ایالات متحده آمریکا، در سند پیش‌بینی شده است به‌جای اعطای امتیاز به دولت‌ها، کم‌ها از طریق شرکت‌ها و بخش خصوصی انجام شود. از این طریق، ایالات متحده آمریکا می‌کوشد نوع پیچیده‌تری از وابستگی را بر دیگر کشورها تحمیل و آنها را نسبت به سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های خود مطیع‌تر کند. همچنین این رویکرد در اعطای کمک، زمینه بازگشت‌پذیری سرمایه‌های بیشتری را به آمریکا فراهم می‌کند و به شرکت‌های خصوصی آمریکایی انگیزه بیشتری را برای شراکت با متحدان آمریکا در نقاط مختلف جهان می‌دهد. در استراتژی امنیت ملی دولت ترامپ، جهت افزایش نفوذ آمریکا در جهان ۲ مؤلفه «محل نفوذ» و «بازار نفوذ» دارای محوریت اساسی است. در این سند پیش‌بینی شده است دولت آمریکا از ابزارهای دولت، شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی در افزایش نفوذ ایالات متحده آمریکا بهره‌برداري کند. در سطح منطقه‌ای، به توازن قدرت منطقه‌ای در جهان- منظور که مطلوب آمریکا باشد- توجه شده است. در این سند پیش‌بینی شده است از متحدان و شرکای منطقه‌ای آمریکا در مناطق مختلف حمایت‌های لازم به‌وجود آید تا توازن قدرت منطقه‌ای مطلوب آمریکا شکل گرفته و حفظ شود. نکته دیگری که وجود دارد این است که روحیه انحصارطلبی آمریکا در این سند کاملاً مشهود است. هرچند بحث تجارت و اقتصاد به‌صورت محوری مطرح شده اما استراتژی امنیت ملی آمریکا از توجه به شبکه‌سازی برای گسترش ارزش‌های آمریکایی غافل نبوده است. در این سند به‌صورت تقریباً آشکاری، بحث نفوذ اقتصادی و سیاسی در کشورهای مختلف از طریق صندوق‌های توسعه‌ای مطرح شده است. از این طریق ایالات متحده آمریکا برنامه‌ریزی می‌کند تا وابستگی سیاسی و اقتصادی کشورها به خود را افزایش دهد. به‌عنوان نمونه از شرکت «میلیونیوم چلنج کورپوریشن» به‌عنوان شرکتي یاد شده است که کشورهای را انتخاب می‌کند که متعهد به اصلاحات موردنظر آمریکا هستند تا پروژه‌های اصلاحی آنان را نظارت و ارزیابی کند. نکته دیگر اینکه تعهد آمریکا برای حمایت از کشورها که تعهد انتحالی است و می‌تواند معیارهای متعدد دیگری برای ارائه کمک‌های آمریکایی ملاک قرار گیرد و کشورهایی در اولویت قرار دارند که ضعف و شکست دولت در آنها می‌تواند تهدیدات علیه آمریکا را افزایش دهد. نتیجه اینکه ایالات متحده آمریکا می‌خواهد یک سیستم وابسته اقتصادی در کشورهای متحد و شریک خود ایجاد کند تا همسویی آنها را به سیاست‌ها و برنامه‌های خود تضمین کند. همچنین در این سند، تعهد آمریکا به حمایت از اصلاح‌طلبان کشورهای مختلف که می‌خواهند اصلاحات موردنظر آمریکا را انجام دهند، مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا که توسط دولت دونالد ترامپ تهیه شده است، ذیل قسمت «راهبرد منطقه‌ای»، درباره همه مناطق جهان شامل منطقه خلیج فارس به آمریکا می‌شود و در سطح بین‌المللی زمینه‌ایجاد برای فشار بیشتر بر ایران را فراهم می‌کند. در سطح بین‌المللی زمینه‌ایجاد برای فشار بیشتر بر ایران را فراهم می‌کند. در سطح بین‌المللی زمینه‌ایجاد برای فشار بیشتر بر ایران را فراهم می‌کند.

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

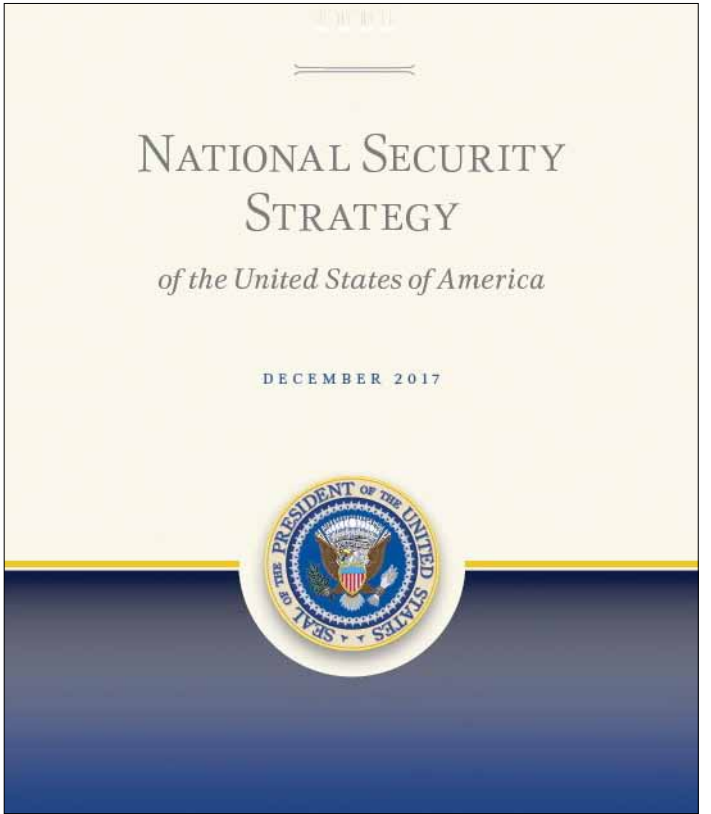
۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای

۲-۲-۲-۵- راهبرد منطقه‌ای



۱- خلاصه مدیریتی

دولت ایالات متحده آمریکا، اواخر سال گذشته میلادی اقدام به انتشار سندی تحت عنوان «استراتژی امنیت ملی» کرد که مهم‌ترین اولویت‌ها و چالش‌های اساسی این کشور در نقاط مختلف جهان را معرفی می‌کند. به جهت اهمیت موضوع و شناخت سیاست خارجی دولت ایالات متحده آمریکا، اندیشکده راهبردی تبیین تصمیم به تحلیل استراتژی اعلام‌شده دولت آمریکا به روش گرو-مترکز و با بهره‌گیری از کارشناسان حوزه‌های مختلف خود گرفت. در این راستا بعد از ارزیابی بخش‌های مختلف سند، بخش چهارم آن- که به افزایش نفوذ آمریکا، شامل راهبرد منطقه‌ای این کشور مربوط می‌شود- واجد بیشترین اهمیت تشخیص داده و برای بررسی و تحلیل بیشتر انتخاب شد. گزارش پیش رو، مربوط به جلسه گرو-مترکز می‌شود که بدین منظور تشکیل شده و حاوی یک مقدمه با تمرکز بر پیشینه و چستی سند استراتژی امنیت ملی، یک معرفی از سند استراتژی امنیت ملی، تحلیل کلیات سند، تحلیل بخش‌های مختلف سند و جمع‌بندی می‌شود. در تحلیل بخش‌های مختلف سند، به برنامه‌های ایالات متحده آمریکا در نقاط مختلف جهان پرداخته شده است. به‌صورت کلی سعی شده است تمرکز اصلی روی نقاطی قرار گیرد که در سند، مورد توجه جدی و اساسی بوده‌اند.

۲- مقدمه

استراتژی امنیت ملی سندی است که طبق قانون ایالات متحده آمریکا، روسای جمهور این کشور ملزم به ارائه آن هستند. در این سند مهم‌ترین تهدیدات و اولویت‌های راهبردی ایالات متحده آمریکا مشخص و راه‌های مواجهه با آنها تعیین می‌شود. در واقع این سند، ارائه‌دهنده استراتژی کلان و اهداف کلی آمریکا در رابطه با امنیت ملی این کشور است. دسامبر ۲۰۱۷ «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا اقدام به انتشار سند استراتژی امنیت ملی دولت خود کرد. این سند از یک مقدمه و ۴ رکن تشکیل شده است. «محافظت از مردم آمریکا، سرزمین مادری و سبک زندگی آمریکایی»، «گسترش رفاه و رونق اقتصادی در آمریکا»، «حفظ صلح از طریق قدرت» و «افزایش نفوذ آمریکا» از رکن این سند است. به‌صورت کلی سوم و چهارم به‌عنوان مستقیم‌تری ناظر بر نگاه و راهبرد آمریکا در جهان است.

۳- معرفی سند استراتژی امنیت ملی آمریکا

استراتژی امنیت ملی، مجموعه‌ای از استراتژی‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی در حوزه‌های داخلی و خارجی راجع به روش‌های بهینه تأمین امنیت ملی ایالات متحده آمریکاست. آرام دولت آمریکا از جمله استراتژی امنیت ملی به تصویب قانون «گلدواتر-نیکلز» در سال ۱۹۶۸ بازمی‌گردد. گفته می‌شود برداشت کنگره آمریکا مبنی بر ضعف این کشور در حصول به اهداف نظامی خود و نیز محیط بین‌المللی در حال تغییر آن دوران، علت تصویب قانون گلدواتر- نیکلز و آرام رئیس‌جمهور آمریکا به ارائه استراتژی امنیت ملی است. سند استراتژی امنیت ملی دولت آمریکا در هر دورای، تلفیقی از مؤلفه‌های ثابت سیستم امنیت ملی ایالات متحده و برنامه‌ها و اولویت‌های رئیس‌جمهور و کابینه این کشور است. حفاظت از خاک، مردم و سبک زندگی آمریکایی، رهبری و برتری آمریکا در جهان خارج، تحکیم ائتلاف با دوستان و رقبا با دشمنان آمریکا از جمله مؤلفه‌های ثابتی است که تقریباً می‌توان در تمام اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا مشاهده کرد. در مقابل، اولویت‌های رئیس‌جمهور و دولت این کشور مانند آنچه در دوران تبلیغات انتخاباتی مطرح شده است نیز بخش مهمی از اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا را تشکیل می‌دهد. طبق قانون، اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا باید به‌صورت سالانه و در تاریخی که رئیس‌جمهور لایحه بودجه سال بعد را ارائه می‌دهد، به کنگره تحویل شود. «رونالد ریگان» نخستین رئیس‌جمهوری بود که طبق قانون گلدواتر- نیکلز، سند استراتژی امنیت ملی دولت خود را ارائه داد. ریگان این سند را تلاش مشترک از سوی دولت، کنگره و مردم آمریکا جهت ترسیم طرحی برای آینده معرفی کرد. «جرج بوش» پدر نینز بعد از ریگان، سند استراتژی امنیت ملی آمریکا را منتشر کرد که تأکید اساسی آن بر تعدیل سیاست‌ها با چالش‌های

دستور عجیب دربار به اداره گمرک

هر زن زیبایی که پیاده‌شده، بیاورد!

سابقه فساد اخلاقی محمدرضا پهلوی به دوران تحصیل در مدرسه «له روزه» فرانسه بازمی‌گردد. محمدرضا در این مدرسه با یکی از دختران خدمتکار رابطه داشت که مجبور شد به عنوان حق‌السکوت ۵۰۰۰ فرانک به این خدمتکار پرداخت کند. پس از بازگشت محمدرضا به ایران، به دستور رضاخان، فیروزه که در دربار همه او را زبیا‌ترین زن تهران می‌شناختند، به عمارت محمدرضا منتقل شد و ارتباط او با محمدرضا تا زمان ازدواج با فیروزیه ادامه داشت. محمدرضا پس از ازدواج با فیروزیه نیز این اخلاقی زشت (زن‌بازی) را کنار نگذاشت به طوری که یکی از دلایل جدایی فیروزیه از وی پس از تولد دخترش، بی‌بند و باری محمدرضا و ناپایداری او به قوانین زندگی مشترک بود. محمدرضا هنگام زندگی با فیروزیه، با دختری به نام دیوانسالار هم رابطه داشت و در لس‌آنجلس خانه‌ای وسیع و زیبا با امکانات مدرن در اختیار او گذاشته بود. اما ماجرای فرار فیروزیه از ایران به مصر نیز شنیدنی است؛ ماجرای فرار فیروزیه، زیر سر اشرف و «ارنست پرون» بود که گزارش رابطه فیروزیه با شخصی با نام امامی را به شاه دادند. فیروزیه پس از کشف این رابطه به مصر رفت و دیگر حاضر به بازگشت نشد. فرار فیروزیه باعث شد محمدرضا با آزادی بیشتری و زنان ارتباط داشته باشد و به بی‌بندی و باری خود ادامه دهد. اشخاصی همچون فردوست، شمس، علم، اشرف، عبدالرضا و هوشنگ دولو ماموریت داشتند زنانی که خوش تیپ و به سبک اروپایی بودند به شاه معرفی کرده و آپارتمان‌هایی در تهران برای این دست و پا کنند تا شاه بتواند با زنان جوان خلوت کند. محمدرضا تا قبل از ازدواج با ثریا، با پروین غفاری که به «پری» مشهور بود، ارتباط داشت اما بعد از ازدواج با ثریا، از سوی همسر جدیدش تهدید شد اگر روابط نامشروع خود را متوقف نکند، کار آنها به سارق خواهد کشید. محمدرضا در خلال مسافرت به کشورهای خارجی نیز دست از عادت زشت خود بر نمی‌داشت و مدتی را در مصاحبت با دختران معرفی شده از سوی دوستان خود می‌گذراند و به آنها هدایای گرانقیمت از جمله انگشتر الماس می‌داد. علم که محرم محمدرضا بود، در خارج و داخل، با هزنه‌های گزاف ماموریت داشت و زنان و دختران جوان را برای مصاحبت با شاه معرفی کند. رفتار زشت و بی‌بندوباری محمدرضا شاه گاهی برای او گران تمام می‌شد؛ مثلاً در یک سفر رسمی به آمریکا، هانری با پرود- که مدیر کل وقت وزارت خارجه آمریکا- در یک ضیافت از ثریا تقاضای رقص می‌کند و در ضمن رقص از ثریا درخواست قرار ملاقات می‌کند. زن‌بارگی محمدرضا باعث شد از دومین همسر خود (ثریا) نیز جدا شود اما پس از ازدواج با فرح نیز شاه همچنان رفتار زشت خود را ادامه داد. در دوران زندگی با فرح، شایعات زیادی از دخترانی بر سر زبان‌ها بود که شاه را عاشق دل خسته خود معرفی می‌کردند. این شایعات گاه شاه را مجبور به تهدید آنها می‌کرد. روزنامه «شنتال استار» آمریکا ۸ جولای ۱۳۱۷ (۵۴/۴۱۷) در مقاله‌ای به عادت زشت «زن‌بارگی» شاه پرداخت و نوشت: «دربار شاه به مسؤولان گمرک دستور داده است که هر گاه یک زن زیبا در فرودگاه مهرآباد از هواپیما پیاده شد، ایشان را مطلع نمایند. به دنبال آن نیز امکان دارد به کاخ دعوت شود».

ملاقات محمدرضا با این زنان به قیمت بسیار گران تمام می‌شد و شاه مجبور بود هدایای گرانبهایی که بیشتر آنها جواهر بودند به این زنان اهدا کند. مثلاً در یکی از این ملاقات‌ها شاه هدیه‌ای به یک بازیگر تئاتر به نام «گریس کلی» آمریکایی می‌بخشد که حدود یک میلیون دلار ارزش داشت. محمدرضا شاه تا آخرین لحظات عمرش که بیماری به سراغش آمده بود، روحیه «زن‌بازی» خود را حفظ کرد و معروف است که با پاتاما، «توریه‌گا» در مقام رئیس سازمان امنیت پاناما که مسؤول محافظت از جان شاه بود، چنین موقعیت‌هایی را فراهم می‌کرد و برای او زن می‌آورد.

منبع: شاه‌گاه‌اندیشه

درباره‌های اجتماعی

@vatanemrooz

